



بشقاب سیمین ساسانی

نوشتہ :

توماس ہوینگ

ترجمہ :

حسین بختیاری



پښتونستان د علومو او کلتور د وزارت
پښتانه پوهنتون د کلتور د مرکز د لاس لخوا
پر تال جامع علوم انسانی

نوشته : توماس هوینگ

ترجمه : حسین بختیاری

بشقاب سیمین ساسانی^۱

در عصر ساسانی بهره‌وری از مناظر شکار برای تزئین ظروف سیمین شیوه‌ای کاملاً رایج بوده، نمونه‌های فراوانی که در موزه‌های سراسر جهان وجود دارد این موضوع را مسلم کرده است. در این صحنه، (شکل ۱)، تیرانداز پشت‌شتری سوار و کمان را برای تیراندازی غزالی آماده کرده است. پشت سرش زنی کوچک اندام بچشم می‌خورد که ترکش وی را به ترک بسته است. تاج یا سربند تیرانداز شامل ردیفی از حلقه‌هاست که بر یک نوار مروارید دوزی شده متکی است، موهای بلند و مجعدش در دو طرف چهره او فروریخته و کره‌ای که با پارچه ابریشمی پوشیده شده است بالای سرش مشاهده میشود، گوشوار و گردن‌بند دارد، سردوشی‌ها به وسیله حلقه‌ای در روی سینه بهم پیوسته و شالی همراه با یک غلاف شمشیر به کمر بسته است. تمام این جزئیات از نقطه نظر سبک و ظواهر لباس گواه آنست که این شکل تصویر یک شه‌ریار

۱- این مقاله ترجمه قسمتی از مطلبی است تحت عنوان: «قطعات نفیس و تزئینی مجموعه آقا و خانم آلستر باردلی مارتین» به قلم توماس هوینگ Thomas P. F. Hoving مدیر نشریه هنری موزه متروپولیتن که در شماره ۲۸ نوامبر ۱۹۶۵ آن نشریه بچاپ رسیده است. مترجم



شکل ۱

بشقاب سیمین ساسانی قرن
۷ تا ۸ میلادی، قطر $\frac{7}{8}$ اینچ

ساسانی بوده و چهره يك اشرف زاده یارب النوع نیست . چنانکه معتقد باشیم که این تصویر گویای چهره یکی از شه‌یاران ساسانی است تاجی که بر سر دارد معرف وی نیست . در سکه‌های ساسانی شبیه این تاج به چشم نمی‌خورد ، تاجی که شباهت نزدیکی با تاج مورد بحث دارد متعلق به پوران‌دخت ملکه ساسانی است که آن نیز حلقه‌هایی در برداشته ولی مجموعاً تفاوتی کلی با این تاج دارد . این چنین حلقه‌هایی لبه پائین کلاه‌های بلند روحانیون عهد ساسانی را تزئین میداده که شواهد آن در مهرهای مربوط به آن دوران ملاحظه می‌گردد .

مورد دیگر در تاج متعلق به ملکه بهرام دوم (۸۳۵ تا ۸۵۲ شاهنشاهی = ۲۷۶ تا ۲۹۳ میلادی) مشاهده می‌گردد و دلیل آن وجود ظرفی است که بهرام دوم و خاندانش را نشان میدهد . استفاده از حلقه‌ها جهت تزئین تاج و سر بند از زمان‌های پیش

توسط شمپریاران و بزرگان ساسانی معمول بود .

صحنه‌ای که در این بشقاب عیان است گویاتراز مطالبی است که در منابع اسلامی ذکری از آن رفته است. روایت چنین است که بهرام پنجم یا بهرام گور (۹۷۹ تا ۹۹۷ شاهنشاهی = ۴۲۰ تا ۴۳۸ میلادی) به علت آزرده‌گی خاطر از سوگلی خود آزاده در شکارگاه غزالی نر را با تیراندازی و افکندن شاخه‌های حیوان بر زمین به صورت غزال ماده درمی‌آورد. و نیز پای غزال دیگری را به گوش حیوان میدوزد .^۲ البته در این صحنه یکی از دو شاهکار بهرام

۲- راجع به قسمت دوم این روایت یعنی دوختن گوش و سم نظامی درهفت پیکر اشعار دلنشین دارد، در «داستان بهرام باکنیزک خویش» که ابیاتی از آن در اینجا نقل میگردد :

« شاه روزی شکار کرد پسند
داشت با خود کنیزکی چون ماه
در بیابان پست و کوه بلند
چست و چالاک بهمرکابی شاه

گور برخاست از بیابان چند
در یکی لحظه زان شکارشگفت
شاه برگور تند کرد سمند
چند را کشت و چند را بگرفت

وان کنیزک ز ناز و عیاری
شاه یکساعت ایستاد صبور
تا یکی گور شد روانه ز دور
گفت کای تنگ چشم تاتاری
در ثنا کرد خویشتن داری
صید ما را به چشم می‌ناری؟

گوری آمد بگوه چون تازم
گفت باید که رخ بر افروزی
شاه چون دید پیچ پیچی او
خواست اول کمان گروه چو باد
وز سرش تاسمش چه اندازم
سز این گور در سمش دوزی
چاره گر شد ز بد بسیچی او
مهره در کمان گروه نهاد
آمد از تاب مهره مغز به جوش
تا زگوش آرد آن علاقه برون
گوش و سم را بیکدیگر بردوخت

نقل از هفت پیکر حکیم نظامی ، به کوشش وحید دستگردی صفحات ۱۰۶ ، ۱۰۷ و ۱۰۸ - مترجم .

بچشم می‌خورد : شاه باتیری شاخهای غزال نر را ازجاکنده و دو تیر بر سر غزال می‌نشانند تا نمایشگر شاخهای حیوان باشد. تصاویری شبیه این داستان در هنر مرصع‌کاری دوران ساسانی وجود دارد . از جمله درد و بشقاب نقره‌ای موجود در موزه ارمیتاژ لنینگراد که احتمالاً یکی از آندومر بوط به اواخر ساسانی و دیگری متعلق به عصر بعد از ساسانی است و در هیچ يك از این نمونه‌ها تاج‌ها شبیه تاج بهرام‌گور نیست ، شاید بشقاب موجود در مجموعه گونول Guenol تنها تعبیرگر و مدلل این موضوع باشد ، زیرا که از جنبه‌های فنی و سبک‌شناسی ممکن است متعلق به قرن دهم شاهنشاهی (پنجم میلادی) یعنی دوران بهرام‌گور باشد .

اگر این تصویر بهرام‌گور نباشد و شاهی که در این صحنه دیده میشود تاج رسمی مصور در سکه‌های مربوط به عهد بهرام‌گور را بر سر نداشته باشد مسلماً بایستی تصویری دیگر از شاهان ساسانی باشد .

جنس بشقاب از نقره صدفی یکپارچه است و برای شکل‌دادن نقاط برجسته قطعاتی که از هم قابل تفکیک است بدان اضافه شده است. برجستگی‌ها با چکش‌کاری و کنده‌کاری در متن ظرف به وجود آمده و در هر دو وضع نقاط چین خورده زیر لبه باریکی از صدف جاسازی گردیده ، بقیه تصویر چه در قسمتهائی که قلم زنی شده و چه در نقاطی که مرصع‌کاری یا کنده‌کاری شده با کاهش جزئی سطح صاف زمینه شکل گرفته است. لبه ظرف و طرح کلی تصویر به جز چهره و دستهای انسانی را با جیوه مزین کرده‌اند. در تصویر حلقه‌ای دیده میشود که گویا به پا بسته‌میشد این حلقه وارونه لحیم‌کاری شده و روی آن نوشته‌ای پهلوی به صورت نقطه‌چین بچشم می‌خورد که بر طبق نظر ریچارد فرای محتوی نام تهماک Tahmak است .